

احکام فقهی، حقوقی فرزند خواندگی و تأثیرات آن در سلامت خانواده

خدیدجه مرادی^۱

سیده ندا جمشیدی^۲

چکیده

فرزندخواندگی از جمله مسائلی است که در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته است. شاید بتوان گفت منشأ اصلی این توجه افزایش ناباروری به دلایل مختلف و جبران این خلل توسط پذیرش مقوله‌ای به نام فرزندخواندگی است. فرزند خواندگی و احکام آن مانند حرمت ناشی از عدم قرابت نسبی و سببی فرزند خوانده و زوجین، مسأله ارث بری فرزندخوانده از زوجین و بالعکس از جمله مسائل بنیادی در این رابطه است که نیازمند تحقیق و بررسی بیشتری است، علی‌الخصوص در عصر حاضر که غالباً تنها فرزند زوجین همان فرزندخوانده است. لذا این تحقیق بر آن است تا با دقت نظر در احکام و قوانین وارده نظری اجمالی به روند فرزندخواندگی در جامعه اسلامی و میزان تأثیرات مثبت یا احیاناً تأثیرات منفی آن در سطح سلامت خانواده و اجتماع را بررسی نماید.

کلیدواژه: فرزندخواندگی، ناباروری، سلامت خانواده

۱- استادیار دانشگاه رازی-۰۹۱۸۸۳۹۸۰۶۲-khmoradi110@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی-۰۹۳۵۴۲۸۰۴۲۲-sadat.jamshidi@yahoo.com

مقدمه

فرزندخواندگی یا تبنی آن است که فرد کس دیگری را که فرزند طبیعی او نیست به فرزند پذیرد. فرزندخواندگی در صورتی که به رسمیت شناخته شده باشد، نوعی قرابت ایجاد می‌کند، قرابتی که صرفاً حقوقی است نه طبیعی، به عبارت دیگر با قبول فرزندخواندگی، قانون یک رابطه مصنوعی پدر - فرزند یا مادر - فرزند بین دو نفر ایجاد می‌کند (سایت معاونت آموزش دادگستری). در فرهنگ ابجدی پسرخوانده را «المُلزَّق یا المُلصَق یا الدَّعی» می‌دانند؛ یعنی چیزی که نه استوار باشد و نه محکم (بستانی، ۱۳۷۵: ۸۶۰).

فرزندخواندگی قدمتی بس طولانی دارد و به درستی تخمین دقیق انجام این رفتار امکان‌پذیر نیست. در ایران باستان به ویژه در زمان ساسانیان فرزندخواندگی مورد پذیرش و مرسوم بوده است. خصوصاً با توجه به نقشی که دین زرتشت در آن ایام داشته و اعتقاداتی که زرتشتیان در مورد فرزندخواندگی و پلگداری دارند و فرزندخوانده را در حکم فرزند حقیقی دانسته و آثار رابطه پدر و فرزند را بر آن حاکم می‌دانند، نهاد فرزندخواندگی دارای جایگاه ویژه‌ای بوده است (سایت معاونت آموزش دادگستری). چنانکه در این باره گفته شده: زرتشتیان معتقد بودند که فرزند عنوان پل صراط را دارد و کسی که فرزند نداشته باشد قادر نیست در روز قیامت از پل صراط بگذرد لذا کسانی که صاحب فرزند نبودند برای رفع این نقیصه و طلب آمرزش و عبور از پل مزبور، فرزند بدلی برای خود انتخاب می‌کردند (سایت معاونت آموزش دادگستری).

در هر دوره‌ای از تاریخ می‌توان عمل پذیرش فرزند از خانواده‌ای دیگر به فرزند را محتمل دانست که در نظام‌های مختلف حقوقی، شرایط و آثار متفاوتی دارد و می‌توان بنابر مقتضیات هر دوره و رفتارها و بازخوردهای اجتماعی هر زمان انگیزه‌های گوناگونی برای این عمل در نظر گرفت؛ از جمله انگیزه فخرفروشی و قدرت‌نمایی. توضیح این‌که از آنجا که در گذشته زندگی به صورت قبیله‌ای و بسیار وابسته به یکدیگر جریان داشت، انتخاب فرزند از خاندانی بزرگ و قبیله‌ای با اقتدار می‌توانست زمینه برای قدرت‌نمایی و بزرگداشت قبایل ضعیف‌تر را به وجود آورد.

شهید مطهری در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» می‌نویسد: «اعراب جاهلیت گاهی کسی را پسرخوانده قرار می‌دادند و در نتیجه، آن پسرخوانده مانند یک پسر حقیقی وارث میت شمرده می‌شد. رسم پسرخواندگی در میان ملت‌های دیگر و از آن جمله ایران و روم قدیم موجود بوده است. طبق این رسم یک پسرخوانده به دلیل اینکه پسر است از مزایایی برخوردار بود که دختران نسلی برخوردار نبودند؛ از جمله مزایای پسرخوانده ارث بردن بود، همچنان [که] ممنوعیت ازدواج شخص با زن پسرخوانده یکی دیگر از این مزایا و آثار شمرده می‌شد (مطهری، بی تا: ۱۳۵)».

اسلام، این سنت جاهلی را برداشت و برای پسرخوانده هیچ حکم خاصی را قائل نشد، نه از ارث، نه از مَحْرَمِیت و نه از حرمت نکاح. بنابراین، به حکم صریح قرآن کریم، پسر خوانده با غیر او هیچ تفاوتی ندارد و عنوان پسرخواندگی یا دخترخواندگی به هیچ‌وجه او را داخل در نَسَب نمی‌نماید: «مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ» (احزاب/ ۴) پسرخواندگانتان را پسران [واقعی] شما قرار نداده است. این گفتار شما به زبان شماست، و [الی] خدا حقیقت را می‌گوید و او [است که] به راه راست هدایت می‌کند».

اما امروزه دلایلی متفاوت با دلایلی که ذکر شد انگیزه افراد را برای انتخاب فرزندخوانده تحریک می‌کند. ناباروری زنان یا مردان و نداشتن فرزند، مهمترین عامل در زمان حاضر است. فرزند صالح که بنابر روایات بسیاری گلی خوشبو از گل‌های بهشت است (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۵، ۱۵۵) و (راوندی، ۱۳۷۶: ۱۷۰) و به فرموده رسول اکرم (ص) از نشانه‌های سعادت انسان است «من سعادة الرجل الولد الصالح» (ابن فهدحلی، ۱۳۷۵: ۱۴۱)، زوجین را وادار می‌کند که برای رفع این خلل به پذیرش فرزند از خانواده دیگری روی آورند. تبیین این موضوع به دلایلی از جمله مسئله محرمیت، ارث‌بری، سلامت روحی خانواده و غیره از اهمیت و ضرورت فوق العاده‌ی برخوردار است. در جامعه اسلامی ما که برگرفته از قرآن و سنت پاک معصومین (علیها السلام) است راه-هایی برای هموار ساختن این مسائل در نظر گرفته شده است. هدف ما بررسی این راه‌کارها بر اساس قرآن کریم

و احادیث وارده در کتب معتبر شیعه و قوانین موجود در نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین بر اساس کتب معتبر فقهی از مراجع معظم و علمای دین و تبیین وضعیتی که هریک از زوجین و فرزند خوانده در محیط زندگی خود با آن رو به رو می‌شود، است.

حرمت ناشی از فرزندخواندگی

در زمان جاهلیت، اعراب پسرخوانده را، که دَعِيَ می‌نامیدند (قرشی، ۱۴۱۲: ۲، ۳۴۸)، پسر حقیقی خود دانسته و در تمام احکام بُنَوْتُ، مانند نکاح و ارث و سایر امور، همچون پسر واقعی خود می‌شمردند و لذا، زنی را که برای پسر خوانده خود می‌گرفتند، عروس واقعی خود شمرده، او را مَحْرَم خود می‌دانستند و پس از آن که پسر خوانده، او را طلاق می‌داد به نکاح خویش در نمی‌آوردند؛ چرا که می‌گفتند: زن فرزند ما و عروس ماست و حُرْمَتِ مَوْءَد دارد. (تهرانی، ۱۴۲۱: ۱، ۱۲۷)

اما قرآن کریم این رسم را منسوخ کرد. ماجرای این حکم از آن جا آغاز شد که پیامبر گرامی اسلام(ص) زن پسرخوانده خود را به همسری گرفت که آیاتی از سوره مبارکه احزاب بیانگر این واقعه است: «وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا وَرَوَّجْنَاهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا؛ (احزاب/ ۳۷) (به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزندخوانده‌ات «زید»] می‌گفتی: «همسرت را نگاه‌دار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسته این امر را تکرار می‌کردی) و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در

ازدواج با همسران پسر خوانده‌هایشان - هنگامی که طلاق گیرند- نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود)».

رسول خدا(ص) می‌ترسیدند مردمی که تازه به اسلام گرویده‌اند زیر بار این حکم نروند و از دین برگردند و لذا خوف و ترس رسول الله از مردم به جهت نگهداری دین و برای خدا بوده است، ولیکن خدا به او امر میکند که به این خوف اعتنا نکن و از من بترس و این امر را اجرا کن!

ایشان در هنگام نزول احکام شدید، که مردم در بدو امر تحمل آن‌را نداشتند، آن حکم را اول درباره خود و اقوام و نزدیکان خود اجرا می‌فرمودند و عمل می‌کردند؛ تا مردم بدانند که رسول الله خود، با نفس نفیس خویش در معرض این حکم قرار گرفته و درباره خود اجرا کرده است و بنابراین، استیحاخ و نگرانی از بین برود و یا لاقلاً تخفیف پیدا کند (تهرانی، ۱۴۲۱: ۱، ۱۲۹).

مشکلی که معمولاً زوجین مؤمن را رنج می‌دهد و در پاره‌ای از موارد آن‌ها را از پذیرش چنین فرزندان منصرف می‌کند، مشکل محرمیت است؛ زیرا اگر فرزند خوانده دختر باشد، در آینده با مرد خانه مشکل محرمیت خواهد داشت و اگر پسر باشد با زن خانه. برای حل این مشکل، چاره‌هایی اندیشیده شده که در بسیاری از موارد مشکل را برطرف می‌سازد، هر چند در برخی موارد چاره‌ساز نیست.

یکی از این چاره‌ها و حیل‌های شرعی، ایجاد محرمیت از طریق رضاع و شیرخوارگی است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۹۹). این در زمانی است که فرزندخوانده شیرخوار باشد؛ یعنی به سن دو سالگی نرسیده باشد چرا که بعد از دو سالگی دیگر رضاع تحقق پیدا نمی‌کند (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۵، ۱۶۳). در این صورت بین فرزندخوانده (چه پسر باشد چه دختر) و زوجین از راه رضاع به وسیله زوجه یا یکی از بستگان زن و شوهر محرمیت حاصل می‌شود و بعد از آن احکام رضاع بین آن‌ها جاری می‌گردد.

راه‌های ایجاد محرمیت بین فرزندخوانده و زوجین در فقه و حقوق

اگر فرزند خوانده پسر باشد از طرق ذیل محرمیت حاصل می‌شود:

(۱) هرگاه زوجه شیر داشته باشد (مثلاً خانم مورد نظر فرزندی به دنیا آورده و فرزندش پس از تولد فوت کرده و می‌خواهد جای خالی فرزند فوت‌شده‌اش را با آوردن نوزاد بی‌سرپرستی پرکند) در این صورت اگر به او شیر بدهد مانند فرزند خودش به پدر و مادر و سایر محارم او محرم می‌شود و اگر شیر نداشته باشد این امر از طریق رضاع برخی از بستگان زن یا شوهر امکان‌پذیر است.

(۲) اگر مادر زوجه شیر داشته باشد، به اندازه لازم و با رعایت شرایط معتبر - که در رساله‌های توضیح المسائل آمده است - به آن نوزاد شیر می‌دهد، سپس آن پسر بچه حکم فرزند رضاعی او را پیدا کرده و به آن خانم نیز محرم می‌گردد؛ زیرا برادر رضاعی او خواهد شد. نه تنها به آن خانم، بلکه به خواهران، خواهرزاده‌ها، برادر برادرزاده‌ها، عمه‌ها، خاله‌ها، مادر بزرگ و تمامی نوه‌های مادر بزرگ محرم خواهد شد.

(۳) اگر خواهر، یا خواهر زاده، یا نوهی خواهرزوجه شیر داشته باشد و به طور کامل به آن پسر بچه شیر دهد، در این صورت نیز به آن خانم محرم شده و حکم خواهر زاده یا فرزند خواهرزاده‌ی او را پیدا می‌کند و علاوه بر این به مادر و سایر خواهران و برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها و عمه‌ها و خاله‌ها و مادر بزرگ و نوه‌های مادر بزرگ نیز محرم می‌گردد.

(۴) اگر یکی از برادرهای آن خانم، یا دختر یکی از برادرهایش یا حتی نوه یکی از برادرهایش، طبق آنچه در بالا آمد، به آن نوزاد شیر دهد، به آن خانم و تمام افرادی که در بالا گفته شد محرم می‌گردد، و خانم مذکور عمه رضاعی او به شمار می‌رود.

اگر فرزندخوانده دختر باشد دقیقاً راه‌های بالا جاری می‌شود البته از طرف بستگان مرد. بنابراین می‌توان محرمیت را بین دختر بچه و پدر خوانده، از طریق ذیل به دست آورد:

۱- شیر زوجه را بخورد، که در این صورت دختر رضاعی مرد می‌شود.

۲- شیر مادر مرد را بخورد، که در این صورت خواهر رضاعی مرد می‌شود.

۳- شیر خواهر مرد را بخورد، که دختر خواهر رضاعی مرد می‌شود و یا شیر دختر خواهر مرد را بخورد.

۴- شیر زن برادر مرد را بخورد، که دختر برادر رضاعی او می‌شود و یا شیر دختر برادر او را بخورد.

در غیر این صورت (یعنی اگر فرزندخوانده شیرخوار نباشد) راه قابل ملاحظه‌ای برای محرمیت وجود ندارد. برخی نیز بیان داشته‌اند که اگر فرزندخوانده پسر باشد و مادر زوجه در قید حیات باشد و شوهر نداشته باشد، می‌توان او را به عقد دائم یا موقت پسر در آورند و پس از دخول به او، مادر خوانده ربیبه او می‌شود و به او محرم می‌شود (فاضل لنکرانی، بی تا: ۱، ۴۰۸) در این صورت به آن خانم و خواهران و خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌هایش، محرم خواهد شد. مشروط بر این که دخول نیز صورت گیرد، که در عرف مردم چنین چیزی غیر معمول است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۰۰). چرا که تغییر حس فرزندی به همسری که تغییری نقشی و هویتی محسوب می‌شود، بسیار دشوار است. از سوی دیگر، این دیدگاه نه تنها می‌تواند منجر به کاهش درخواست فرزندخواندگی شود، بلکه باعث ایجاد ابهام در روابط خانوادگی و خشونت و سوءاستفاده جنسی از کودکان خواهد شد.

حال اگر فرزندخوانده دختر غیر شیرخوار باشد و پدر خوانده فرزند یا نوه‌ای نداشته باشد، تنها راه آن است که عقد موقت آن دختر را برای پدر پدر خوانده بخوانند، تا آن دختر حکم زن پدرش را پیدا کند و برای همیشه بر او و برادران و برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌هایش محرم گردد. در اینجا دخول شرط نیست؛ ولی چنین عقدی باید دارای شرایط زیر باشد؛ اولاً: باید به مصلحت دختر بچه باشد. ثانیاً: با اجازه حاکم شرع صورت گیرد. ثالثاً: زمان عقد موقت به قدری باشد که در آن زمان امکان بهره‌گیری جنسی از دختر باشد، ولی پس از ساعتی باقیمانده مدت را می‌بخشند، تا در آینده آن دختر با مشکلی مواجه نشود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۱۰۱).

در هر صورت باید توجه داشت که اگر دختر نابالغ باشد نکاح مذکور باید به اذن ولیّ شرعی او باشد و در صورت نبودن ولیّ، باید از مجتهد جامع الشرائط اذن گرفت. و در هر صورت نباید صیغه محرمیت برای دختر بچه مفسده داشته باشد. بلکه رعایت مصلحت او لازم است. کما اینکه اگر دختر بالغ باشد اذن پدر یا جد پدری به احتیاط واجب معتبر است (فاضل لنکرانی، بی تا: ۱، ۴۰۹).

در قانون ایران طبق لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، که اولین نسخه لایحه در سال ۱۳۸۷ از سوی هیأت وزیران تصویب و به مجلس ارائه شد، در ماده ۲۴ خود (که اکنون در تبصره ماده ۲۶ آمده) آورده بود: «ازدواج سرپرست با کودک یا نوجوان تحت سرپرستی وی یا فردی که قبلاً تحت سرپرستی او بوده و ثبت واقعه آن، منوط به اجازه دادگاه خانواده با اخذ نظر کارشناسی سازمان است». این که دو نفر بتوانند با حکم دادگاه و با صلاحدید او با هم ازدواج کنند، به این معنی است که با یکدیگر محرم نیستند؛ زیرا محارم در هیچ صورتی و با حکم هیچ مرجعی نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. بنابراین قانون نیز این افراد را محرم فرض نکرده است.

ارث بری فرزندخوانده از زوجین و برعکس در فقه و حقوق

پیش از اسلام، «ارث» به یکی از سه راه بوده است: «نسب»، «عهد و پیمان» و «تبّنی»: مقصود از «تبّنی» آن است که فرزندی که از خانواده‌ای طرد شده، خانواد دیگری او را به خود نسبت دهد و به شکل پسر خوانده درآید. در این صورت میان این پسر خوانده و پدرخوانده‌اش ارث برقرار می‌شد (طاهری، ۱۴۱۸: ۵، ۲۲۷).

اما فرزندخواندگی از موجبات ارث نیست و بنابر احکام اسلامی و طبق حدیث مشهور «مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ فَهُوَ يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰، ۸۷۴) و (طوسی، ۱۴۰۷: ۷، ۳۱۳) و (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰، ۳۷۲)، تنها موجب حرمت نکاح و محرمیت می‌شود. در این صورت می‌توانند به نحو صلح یا بخشش چیزی به فرزندخوانده بدهند (خمینی، ۱۴۲۲: ۳، ۲۳۹).

شیخ انصاری نیز در «رساله رضاعیه» خود می‌نویسد: «بدان که رضاع باعث ارث بردن و واجب شدن نفقه و مانند اینها غیر از حرمت نکاح و محرمیت نمی‌شود، پس پدر رضاعی ولایت ندارد بر فرزند رضاعی و مادر رضاعی حق حضانت ندارد و گواهی مرتضع بر فعل مسموع است و اگر فعل او را بکشد در عوض او فعل را می‌کشند و مثل پدر نسبی نیست که در عوض فرزند نتوان کشت (شیخ انصاری، بی تا: ۲۱۳)».

بر اساس ماده ۲ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست و به استناد ماده ۸۶۱ قانون مدنی، فرزندخواندگی از موجبات ارث نیست یعنی نه فرزندخوانده از پدر و مادرخوانده‌اش و نه آنان از فرزندخوانده ارث می‌برند. به بیان قانون: «این سرپرستی به منظور تامین منافع مادی و معنوی طفل برقرار می‌گردد ولی در هر حال از موجبات ارث نخواهد بود.» لکن به خاطر جلوگیری از بروز مشکلاتی برای کودک و جبران خلأ مذکور در آینده در ماده ۵ قانون آمده که یکی از شرایط صدور حکم سرپرستی تامین هزینه نگهداری و تربیت و تحصیل طفل تا سن بلوغ و تا زمان فوت سرپرست است. همچنین طبق تبصره ذیل ماده ۵ مذکور: هرگاه وجوه یا اموالی از طرف زوجین سرپرست به طفل تحت سرپرستی، صلح شده باشد در صورت فوت طفل وجوه و اموال مذکور از طرف دولت به زوجین سرپرست تملیک خواهد شد.

فرزندخواندگی در عصر حاضر و علل آن (ابعاد روانی و اجتماعی)

فرزندخواندگی هر چند از قدیم الایام مرسوم بوده و برخی از مردم با هدف‌های مختلف به سوی آن می‌رفته‌اند؛ اما این پدیده در عصر و زمان ما گسترده‌تر و متقاضیان آن افزون‌تر و اهداف تقاضاکنندگان آن یک‌نواخت‌تر شده است. به طور عمده نداشتن فرزند، سبب گرایش به این مسأله است و گاه نیز عواطف انسانی موجب توجه به آن می‌گردد.

حوادث طبیعی و غیر طبیعی، همانند زلزله‌ها، جنگ‌ها، بیماری‌ها، طوفان‌های سخت و وحشتناک و مانند آن، عوارض نامطلوب مختلفی بر جوامع انسانی می‌گذارد که یکی از آن‌ها معضل فرزندان بی‌سرپرست است. کودکان معصوم و پاکی که نگاه معصومانه آن‌ها همچون کتابی قطور حاوی مطالب فراوان و مهمی است که تنها

برخی توفیق مطالعه آن را دارند. از سوی دیگر، زوجین متعددی وجود دارند که به علل مختلف از نعمت بی‌بدیل فرزند محروم هستند و خداوند حکیم آن‌ها را با بچه‌دارنشدن آزمایش می‌کند.

برخی از این زوجین، به جای آه و افسوس و حسرت و به هدر دادن نیروی خود و با هدف پر کردن این خلأ زندگی مشترک- که گاه منجر به جدایی و طلاق می‌گردد- به سراغ فرزندان بی‌سرپرست رفته و آن‌ها را به فرزند قبول می‌کنند، تا هم غم فقدان پدر و مادر و کمبود عشق و محبت را از قلب پاک و کوچک آن کودکان معصوم بیرون کنند و هم خود را از تنهایی در آورند و سکوت خسته کننده محیط زندگی مشترک خویش را با گریه‌ها و خنده‌های چنان فرزندان بشکنند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۹۸). و مانند درختی بی‌ثمر از این دنیا نروند چرا که در خبر است که هر کس از دنیا بدون فرزند و جانشین برود مانند آن است که هرگز در میان خلق نبوده و هر کس دارای فرزند بوده باشد و از دنیا برود گوئیا نمرده است (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۵، ۱۵۶).

گرچه در اسلام نهاد فرزندخواندگی وجود ندارد اما مقررات مدونی به منظور سرپرستی اطفال بی‌سرپرست وضع گردیده و اجرا می‌شود که بعضاً از آن به فرزندخواندگی ناقص تعبیر شده است. این مقررات در قانون اساسی و قوانین عادی انعکاس یافته است.

به موجب بند دوم از اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف به حمایت از مادران و کودکان بی‌سرپرست گردیده و قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳، نیز به منظور تأمین منافع مادی و معنوی آنان، شرایط خاصی را برای خانواده‌هایی که می‌خواهند سرپرستی اطفال بدون سرپرست را به عهده بگیرند وضع نموده است. ماده ۱۱ قانون مذکور، وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او را از لحاظ نگاهداری و تربیت و نفقه و احترام، با حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر برابر نهاده است. بنا بر بند ۱ ماده ۱۶ قانون مذکور نیز، در صورتی که سوء رفتار یا عدم اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست برای نگاهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد، به تقاضای دادستان، سمت سرپرستی قابل فسخ می‌باشد. ماده ۱۴ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «مفاد حکم قطعی سرپرستی به اداره ثبت احوال ابلاغ و در

اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج صادر خواهد شد». همچنین به موجب ماده واحده مصوب ۶۲/۸/۱ قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست، دولت نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی سرپرست مکلف گردیده است. صدور حکم قطعی سرپرستی و حتی صدور شناسنامه جدید برای طفل با مشخصات زوجین سرپرست و نام خانوادگی زوج، موجب قطع رابطه خویشاوندی طفل با پدر و مادر واقعی وی نخواهد شد، بلکه بند ۳ از ماده ۱۶ قانون مذکور، امکان فسخ سرپرستی در اثر توافق با پدر و مادر واقعی طفل را مطرح نموده است. بنابر این حکم سرپرستی به هیچ وجه آثار قرابت کودک با ابوی و بستگان واقعی وی را زایل نمی سازد و تمام آثار قانونی قرابت واقعی از قبیل منع ازدواج با اقارب نسبی و رضاعی و ارث بردن فرزند از ابوی واقعی و اقارب و متقابلاً ارث بردن نامبردگان از فرزند، همچنان باقی خواهد بود.

درخصوص سرپرستی فرزندخوانده در ماده یک قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ آمده: «هر زن و شوهر مقیم ایران می توانند با توافق یکدیگر طفلی را با تصویب دادگاه و طبق مقررات این قانون سرپرستی کنند. در این خصوص طبق ماده ۳ این قانون، شرایط خاصی در نظر گرفته شده است از جمله: گذشت ۵ سال از تاریخ ازدواج و این که آنان صاحب اولاد نشده باشند، باید سن یکی از زوجین بیش از ۳۰ سال باشد، نداشتن محکومیت جزایی موثر به جرایم عمدی و داشتن صلاحیت اخلاقی و داشتن سلامت عقلی و روانی و مبتلا نبودن به بیماری های صعبالعلاج و اعتیاد و داشتن امکان مالی مناسب نیز از دیگر موارد است. البته لازم به ذکر است طبق ماده ۱۰ این قانون، متقاضیان می توانند با رعایت مقررات قانونی، کودکان زیر ۱۲ سال متعددی را به سرپرستی بپذیرند. طول دوره آزمایشی سرپرستی نیز ۶ ماه است که پس از آن دائمی می شود.

براساس تبصره ذیل ماده ۱۱ قانون مذکور: اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل صغیر به عهده سرپرست خواهد بود مگر آن که دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ کند. اصل بر این است که اداره اموال و دارایی طفل برعهده

پدرخوانده‌اش باشد ولی ممکن است اگر دادگاه به صلاح کودک بداند، به غیر از پدرخوانده و مادرخوانده، فرد دیگری را به عنوان سرپرست وی تعیین نماید.

فرزند خواندگی و سرپرستی اطفال بی سرپرست، از نظر حقوقی در دسته احوال شخصیه قرار می‌گیرد، در این خصوص نظر مخالفی، ملاحظه نشده است، دلیل این امر آن است که: اولاً، قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲، فرزند خواندگی را در ردیف سایر امور مربوط به احوال شخصیه قرار داده است. ثانیاً، در ماده ۱۳ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست قانونگذار چنین تصریح نموده است «مقررات قانون احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در مورد فرزند خواندگی به اعتبار خود باقی است». ثالثاً، در بعضی عهدنامه‌های منعقد شده بین ایران و سایر دولت‌ها از جمله عهدنامه مودت و اقامت و تجارت ایران و یونان مصوب ۱۳۱۰ = قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت و قرارداد اقامت و تجارت و بحریمایی منعقد شده بین دولتین ایران و یونان = و قرار داد اقامت بین دولتین ایران و سوئیس مصوب ۱۳۱۳ = قانون اجازه مبادله عهدنامه مودت و قرارداد اقامت و قرار وجه الضمانه قضایی منعقد شده بین دولتین ایران و سوئیس = ، فرزند خواندگی در زمره مصادیق احوال شخصیه درج گردیده است (سایت معاونت آموزش دادگستری).

طبق ماده ۱۱ قانون حمایت از کودکان، پرداخت نفقه فرزندخوانده از جمله تکالیف سرپرست وی است که چنین مقرر می‌دارد: «وظایف و تکالیف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است. در صورت استنکاف از پرداخت آن، فرزندخوانده حق مطالبه نفقه را به صورت حقوقی از دادگاه صالحه دارد و به خاطر اهمیت این مسئله برابر تبصره ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده جدید مجلس شورای اسلامی می‌توان به مسئولیت کیفری سرپرست اشاره کرد. طبق ماده ۱۱ قانون موصوف: فرزند خوانده موظف به احترام و تکریم پدر و مادر حکمی خود نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر (واقعی و طبیعی‌اش) می‌باشد.

تأثیرات مثبت و منفی فرزندخواندگی در سلامت خانواده و اجتماع

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسانی است و به تجربه ثابت شده کودک در محیط و فضای خانوادگی سالم، بهتر رشد می‌کند و تکامل و تعالی می‌یابد. فرزندانی که در محیط خالی از عشق و دلبستگی خانوادگی تربیت و بزرگ شوند در معرض بحران‌های عاطفی و روحی بسیاری قرار خواهند گرفت. بنابراین با وصف آن که موسسات خیریه قانوناً موظف به نگهداری کودکان بی‌سرپرست هستند مقنن با تصویب مقررات قانونی خاص سرپرستی کودکان بی‌سرپرست را تحت شرایطی به زوجین بدون فرزند واگذار می‌کند تا آنان در دامن پرمهر و عطف پدر و مادرخوانده‌ی خود پرورش یافته و بتوانند در آینده پذیرای مسوولیتی خطیر در جامعه اسلامی باشند.

این نکته را هم باید افزود که محرمیت در ریشه و مبنای خود، به اخلاق اجتماعی بسیار وابسته است. تاریخ محرمیت در شرع، به خوبی این نظر را تأیید می‌کند. اکثر موارد محرمیت در اسلام، همان است که پیش از اسلام میان اعراب جاری بوده است و اسلام در واقع آن‌ها را تأیید کرده است. در این میان، انزجار اخلاقی جامعه از ازدواج دو نفر، بسیار مهم است و هر جا جامعه به کسانی دید پدری و مادری و فرزندى داشته، شرع نیز در حرام دانستن رابطه آنان تردید نکرده است. همین رفتار مادر و فرزندى است که در محرمیت شیری (رضاعی) جاری است؛ هرچند شیرخوارگی در طول یک شبانه‌روز باشد. گاهی نیز در کنار هم بزرگ شدن و در جایگاه فرزند قرار گرفتن، فلسفه و حکمت محرمیت معرفی شده است؛ چنان که دختر زن مرد (ربیبه)، در صورتی که در خانه او پرورش یافته باشد، با وجود شرایطی بر آن مرد حرام می‌شود. همچنین حرمت ازدواج با زن پدر و مادر زن هم در واقع به همین دلیل است که ایشان از نظر اخلاقی، جایگاه پدری و مادری برای فرد دارند. بنابراین باید با احتیاط در این مسیر قدم برداشت تا هم حرمت‌ها و محدودیت‌های شرعی کم رنگ جلوه نکند و هم زوجین و فرزندخوانده به عنوان یک انسان، مورد گزند ناملايمات و رفتارهای نادرست قرار نگیرند. چرا که انسان و عنصر وجودی‌اش هم بسیار مغرور است: «يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ؛ (انفطار/۶) ای انسان، چه

چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟» و هم ضعیف و ناتوان: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا؛ (نساء/۲۸) خدا می‌خواهد تا بارتان را سَبَّک گرداند و [می‌داند که] انسان، ناتوان آفریده شده است»، «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا؛ (معارج/۱۹) به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است».

نتیجه‌گیری

با این تفاسیر که بین فرزندخوانده و زوجین روابطی خاص با محدودیت‌هایی ویژه حاکم است که در فقه و حقوق نیز به آن اشاره شد، لذا، ارتباط بین فرزندخوانده و زوجین از همان ابتدا باید بر اساس دستورات و مقررات شرعی و قانونی پایه‌گذاری شود؛ چرا که سستی در هریک از این روابط منجر به آسیب‌هایی شدید در سطح سلامت خانواده و اجتماع می‌گردد که نه تنها با هدف اصلی فرزندخواندگی سازگاری ندارد بلکه موجبات رنج و عذاب و گاهی سوء استفاده‌های نامشروع را فراهم می‌نماید. عمل زیبای پذیرش فرزندخوانده، در شرایط کنونی ما، هم باعث نجات زندگی مشترک زوجین شده و هم موجبات یک زندگی خوب و به دور از نگونبختیهای بی‌سرپرست بودن را برای کودک مهیا خواهد کرد. این اقدام بی‌شک تاثیرات مثبت خود را در کوتاه مدت و درازمدت بر جامعه آشکار خواهد کرد. در پاره‌ای از موارد نیز که با سرکشی، انزجار یا سرخوردگی کودک رو به رو می‌شویم با رفتاری اصولی و کمک کارشناسان متخصص دینی و علمی، می‌توان وضعیت مطلوبی را رقم زد. ناگفته نماند حیات جامعه و پویایی و تکامل اجتماع، بستگی به افراد و عملکردهای آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد که این مهم با عزم ملی و مدیریت جهادی امکان‌پذیر است.

منابع:

قرآن کریم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گردآورنده: آیتی، حمید؛ دانش نگار، تهران، ۱۳۷۹.

قانون حمایت از خانواده، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، سال ۶۹ شماره ۱۹۸۳۵، ۲۲

فروردین ۱۳۹۲.

قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بد سرپرست، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی

ایران، سال ۶۹ شماره ۱۹۹۹۷، ۶ آبان ۱۳۹۲.

ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، ۶ جلد، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۷.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد، *عده الداعی*، ۱ جلد، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، قم،

۱۳۷۵.

انصاری، مرتضی بن محمد امین، *رساله رضاعیه (شیخ انصاری)*، یک جلد، چاپ اول، قم، بی

تا.

بستانی، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدی*، انتشارات اسلامی، ۱ جلد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.

تهرانی، سید محمد حسین حسینی، *ولایت فقیه در حکومت اسلام*، ۴ جلد، انتشارات علامه

طباطبایی، چاپ دوم، مشهد، ۱۴۲۱ ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، ۳۰ جلد،

مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ ق.

خمینی، سید روح الله موسوی، *استفتاءات (امام خمینی)*، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، قم، ۱۴۲۲ق.

راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، *النوادر (لراوندی)* / ترجمه صادقی اردستانی، ۱ جلد، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.

طاهری، حبیب الله، *حقوق مدنی*، ۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۸ق.

طوسی، محمدبن الحسن، *تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)*، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.

شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی^۱)* - کلانتر، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، چاپ اول، قم، ۱۴۱۰ق.

شیرازی، ناصر مکارم، *حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح*، در یک جلد، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۸ق.

قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، ۷ جلد، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم، تهران، ۱۴۱۲ق.
کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی (ط - دارالحدیث)*، ۱۵ جلد، دار الحدیث، چاپ اول، قم، ۱۴۲۹ق.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، *جامع المسائل (فارسی - فاضل)*، دو جلد، انتشارات امیر قلم، یازدهم، قم، بی تا.

مطهری، شهید مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، ۱ جلد، چاپ اول، قم، بی تا.

منصور، جهانگیر؛ **قانون مدنی** با آخرین اصلاحیه ها و الحاقات همراه با قانون مسئولیت مدنی،

تهران، نشر دیدار، ۱۳۸۶.

منبع الکترونیکی

معاونت آموزش دادگستری استان تهران، همچنین دسترسی در:

<<http://www.ghavanin.ir/PaperDetail>>س

(دسترسی در: 1393/1/20)